تبدیل گاه شماری شمسی به گاه شماری شاهنشاهی!

امین، سید حسن

1-درآمد55

در شماره‏ی 15 ماهنامه‏ی حافظ،مقاله‏یی از آقای ناصر مجد اردکانی(سفیر سابق ایران در ژاپن)که من ایشان را یکی دو بار در لندن در منزل سیروس غنی دیده‏ام،چاپ کرده بودیم.این مقاله را دوست مشترک ما،آقای مجید مهران،برای چاپ به دفتر مجله‏ آوردند.

در این شماره،به مناسبت«جشن‏های دو هزار و پانصد ساله» در مهر 1350 به«تقویم شاهنشاهی»می‏پردازیم.

2-پس‏زمینه‏56

یکی از مهم‏ترین ارکان گاه‏شماری،سرآغاز و مبدأ تقویم است. در مسیحیت،تاریخ تولّد حضرت مسیح و در اسلام تاریخ هجرت‏ پیامبر از مکه به مدینه،مبدأ تقویم قرار گرفته است.در ایران پیش‏ از اسلام،مبدأ گاه‏شماری،تاریخ به تخت نشستن پادشاهان بود که‏ نمونه‏ی آن‏گاه‏شماری یزدگردی است که مبدأ آن(براساس منابع‏ اسلامی که شاید مطابق با واقع هم باشد)،سال 11 هجری برابر 632 میلادی یعنی سال به تخت نشستن یزدگرد سوم(آخرین‏ پادشاه ساسانی)است.هنگامی که در عصر رضا شاه،تقویم قمری به‏ شمسی تبدیل شد،مبدأ گاه‏شماری را اول فروردین سال اول‏ هجرت(119 روز پیش از مبدأ گاه‏شماری هجری قمری و 179 روز پیش از تاریخ واقعی هجرت پیامبر از مکه به مدینه) منظور داشتند.امّا در پی جشن‏های دو هزار و پانصد ساله‏ی‏ شاهنشاهی ایران در 1350،سال فرضی و تقریبی آغاز پادشاهی‏ کوروش هخامنشی در 559 پیش از میلاد،مبدأ تقویم شاهنشاهی‏ قرار گرفت که تاریخ رسمی ایران را یک هزار و یکصد و هشتاد سال قبل از هجرت تعیین می‏کرد.

یکی از اشتباهات محمد رضا شاه پهلوی که مغضوب و مبغوض شدن او را در چشم عامه‏ی مردم در پی داشت و هیچ‏ سودی نیز عاید کشور نکرد و بعد هم در ماه‏های پایانی سلطنت‏ خود او منسوخ شد،همین عوض کردن تقویم رسمی ایران از هجری شمسی به شاهنشاهی بود.این تبدیل تاریخ کاری بود که‏ نه تنها رضا شاه پهلوی که اسم لاتینی ایران از Persia به ایران‏ عوض کرد،در اوج سنّت‏ستیزی و مذهب‏زدایی در ایران نکرد،بلکه‏ حتا کمونیست‏ها هم در شوروی نکردند؛یعنی همان تاریخ میلادی‏ معمول غرب مسیحی را نگاه داشتند.

3-تمهیدات مقدمات‏57

امّا مقدمات این تبدیل گاه‏شماری به شاهنشاهی چه‏گونه آغاز شد؟

1-اول بار،در 1306 سید جلال الدین تهرانی(رییس شورای‏ سلطنت)که زیست‏نامه‏اش را در شماره‏ی 17(مرداد 1384)در ماهنامه‏ی حافظ نوشته‏ایم،با انتشار اولین گاهنامه‏ی ایرانی،مبدأ تقویم ایران را همین سال مفروض به تخت نشستن کوروش معین‏ کرد(تهرانی،جلال،گاهنامه‏ی طهرانی برای سال 1307،تهران،130، ص 189).

2-ذبیح بهروز نیر که من صبحت او را در سال‏های پایانی‏ عمرش درک کردم،تاریخ هجری را مخدوش قلم‏داد می‏کرد و از جمله می‏گفت که با کشف نظام یک تقویم،مبدأ آن را می‏توان‏ شناخت،ولو این که هیچ روایتی آن را تأیید نکند.یعنی روایات و اسناد دوره‏ی اسلامی...راجع به تقویم یزدگردی که می‏گویند او در سال یازدهم هجری جلوس کرده است،بی‏ارزش و مخدوش است، زیرا در آن تاریخ پوراندخت یا دیگری پادشاه بوده است.به علاوه، رواج تاریخ یزدگردی در سواحل خلیج فارس و دریای هند و یمن، نشانه‏ی آن است که این تقویم پیش از اسلام رواج داشته است، وگرنه تقویم اسلامی جای آن را می‏گرفت(اتحادهوشنگ، پژوهشگران معاصر،ج 2،صص 386-387).

3-سومین اقدام برای تعویض تقویم هجری در 1345 صورت‏ گرفت.در این راستا،مجید کفایی خراسانی(عضو وزارت خارجه و نوه‏ی آخوند خراسانی،صاحب کفایه)که نباید با دکتر حمید کفایی‏ خراسانی(نماینده‏ی مجلس شورای ملی از مشهد)و جعفر کفایی‏ (سفیر ایران در ترکیه)اشتباه شود،در آبان 1345،توسط امیر اسد اللّه‏ علم(وزیر دربار)عریضه‏یی به محمد رضا شاه نوشت که تاریخ‏ هجری شمسی را که از فروردین 1304 رسمیت یافته و جا افتاده‏ بود،عوض کنند و مبدأ گاه‏شماری رسمی ایران را به جای هجرت‏ پیامبر اسلام،تاریخ تأسیس شاهنشاهی هخامنشی قرار دهند.در آغاز،شاه و اطرافیان او به این پیشنهاد توجهی نکردند،تا آن‏که‏ وقتی در 1350 جشن‏های دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی‏ ایران با هزینه‏ی گزاف برگزار شد،مجید کفایی دوباره این پیشنهاد را طی عریضه‏ی دیگری تکرار کرد و توجیه و تبیین این پیشنهاد را وسیله‏یی برای اجازه‏ی شرفیابی به حضور شاه قرار داد.

4-چهارمین جرقه در 1352 به دست خانم دکتر فروغ حکمت‏ زده شد.این خانم در آذر 1352،کتابچه‏یی در 44 صفحه منتشر کرد که عنوان روی جلد آن‏چنین بود:«مبدأ تاریخ ایران می‏باید تغییر پذیرد:تاریخ هجری قمری و شمسی نمی‏تواند شناسنامه‏ی‏ حیات معنوی ایران باشد.»گفتنی‏ست که در این کتاب(به خلاف‏ رسم معهود)نامی از شاه و جشن‏های دو هزار و پانصد ساله‏ شاهنشاهی برده نشده است.

5-این مضامین،در فاصله‏ی برگزاری جشن‏های دو هزار و پانصد ساله در 1350 تا سه چهار سال بعد،در چند کنفرانس علمی‏ و تاریخ‏شناسی تکرار شد و پژوهشگران جاه‏طلب تغییر مبدأ تاریخ‏ رسمی را از جهت«علمی و تاریخی»توجیه کردند.امّا برای این که‏ ناموجه بودن این«شبه تحقیقات»مسلّم شود،باید گفت،همین‏ دانشمندان محترم،سال 1350 را«دو هزار و پانصدمین سال» تأسیس شاهنشاهی ایران قلمداد کرده بودند و بنابراین سال 1355 باید سال 2505 می‏شد،امّا حضرات،پنج سال بعد از برگزاری‏ جشن‏های دو هزار و پانصد ساله،سی‏سال سلطنت محمد رضا شاه را نیز بر آن تاریخ افزودند و سال را 2535 کردند!

4-رسمیت قانونی تقویم شاهنشاهی‏58

عاقبت،مجلسین سنا و شورا طرح«تغییر تقویم»را در جلسه‏ی‏ مشترکی به تاریخ 24 اسفند 1354(روز مفروض تولد شاه‏ پهلوی!)در کاخ سنا تصویب کردند و بنا شد از اولین روز سال جدید (1355)،تاج‏گذاری کوروش کبیر را مبدأ گاه‏شماری ایران قرار دهند و بنابراین نوروز 1355،اولین فروردین 2535 شد.

شخص محمد رضا شاه در پیام نوروزی‏اش به همین مناسبت‏ گفت:

«امروز در دو هزار و پانصد و سی و پنجمین نوروز شاهنشاهی و پنجاهمین نوروز شاهنشاهی پهلوی...به نامه پرچمدار شاهنشاهی‏ ایران،پیمان جاوید دودمان پهلوی را با ملت خودم که به‏ فرمانروایی آن افتخار دارم،تجدید کنم.»(سفری،محمد علی،قلم و سیاست؛از هویدا تا شریف امامی،ص 520)

5-عدم مقبولیت تغییر تقویم در جامعه‏59

تغییر تقویم از هجری به شاهنشاهی در میان مردم ایران با حسن استقبال روبرو نشد و جا نیفتاد.یکی از مهم‏ترین دلایل عدم‏ مقبولیت تقویم دو هزار و پانصد ساله،همین عنوان‏ «شاهنشاهی»اش بود که نماد آن«شاهنشاه»زنده‏ی وقت یعنی‏ محمد رضا شاه پهلوی بود که با تبلیغات دروغین خود را جانشین‏ کوروش و داریوش می‏خواند.اگر در مثل به مردم می‏گفتند:این‏ تقویم،ایرانی یا هخامنشی‏ست،شاید لا اقل درصد معنی از روشنفکران لائیک و فرهنگوران ایران‏دوست آن را می‏پذیرفتند.امّا این‏جایگزینی،نه تنها از سوی روحانیون و اکثر قریب به اتفاق‏ مسلمانان ایران،بلکه از سوی روشنفکران و تحصیل‏کردگان‏ غرب‏گرا هم مردود واقع شد.بعضی غرب‏گرایان،تقویم میلادی را بر تقویم شاهنشاهی مرجّح می‏دانستند،زیرا چنین تغییری،دست‏ کم ایرانیان را با فرهنگ مسلّط غرب،هماهنگ می‏کرد،درحالی‏که‏ داشتن تاریخ شاهنشاهی دو هزار و پانصد ساله برای ملتی با سابقه‏ی تمدن بسیار بیش از دو هزار و پانصد ساله،تازه از جهت‏ سنواتی ما را چندین قرن پس از تاریخ رسمی دولت کوچک‏ اسرائیل قرار می‏داد.

نشانه‏ی عدم مقبولیت تقویم جدید آن بود که وقتی انقلابیون‏ اکثرا لائیک شروع به مبارزه بر ضدّ نظام شاهنشاهی کردند،تاریخ‏ را همیشه در ذیل نامه‏ها،اعلامیه‏ها و بیانیه‏های خود،به تاریخ‏ هجری شمسی می‏گذاشتند؛درحالی‏که اگرنه قانونا-امّا رسما در عرف اداری-آن تاریخ شمسی دیگر فاقد اعتبار و ملغی شده بود.

6-نسخ تقویم شاهنشاهی‏60

جعفر شریف امامی که پس از«جمعه‏ی سیاه»(17 شهریور) 1357 نخست‏وزیر شد،در نخستین روز نخست‏وزیری خود طیّ‏ بخشنامه‏یی،گاه‏شماری رسمی شاهنشاهی مصوب مجلسین را منسوخ و کأن لم یکن اعلام کرد و همان تاریخ هجری شمسی را به عنوان گاهنامه‏ی رسمی ایران شناساند.نفس این عمل نشان‏ می‏دهد که نظام محمد رضا شاه خود به غلط بودن این تغییر اذعان و اعتراف کرده است.ح.ا.

7-منابع و مراجع‏61

1-تهرانی،سید جلال الدین،گاهنامه‏ی طهرانی برای سال 1307،تهران،1306.

2-حکمت،فروغ،مبدأ تاریخ ایران می‏باید تغییر پذیرد،تهران،1352.

3-سفری،محمد علی،قلم و سیاست:از هویدا تا شریف امامی،تهران، 1377.